



١٠٢٨٠

دانشگاه پیام نور

دانشکده : علوم انسانی

گروه : زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

بررسی رمانتیسیم در ساختار و محتوای شعر فریدون مشیری

پایان نامه :

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته : زبان و ادبیات فارسی

مؤلف :

حمیده ساکت تبار

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر صدری نیا

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر موسوی

ماه و سال انتشار :

اسفند ۱۳۸۵

۱۰۱۳۸۰

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۱۶۱





دانشگاه پیام نور
پوی
باسم تعالی

تاریخ

شماره

پوست

تصویب نامه پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان: بررسی رمانتیسیم در ساختار و محتوای شعر فریدون مشیری.

که توسط حمیده ساکت تبار تهیه و به هیأت داوران ارائه گردیده است مورد تأیید می باشد.

تاریخ دفاع: ۸۵/۱۲/۱۵ نمره: ۱۹۱ - نوزدهم درجه ارزشیابی: عالی

اعضای هیأت داوران:

نام و نام خانوادگی	هیأت داوران	مرتبۀ علمی	امضاء
۱- دکتر باقر صدری نیا	استاد راهنما	دانشیار	
۲- دکتر میرنعت اله موسوی	استاد راهنمای همکار یا مشاور	استادیار	
۳- دکتر ناصر علیزاده خیاط	استاد ممتحن (داور)	استادیار	
۴- دکتر میرنعمت اله موسوی	نماینده گروه آموزشی	استادیار	

(نمونه تصویب نامه پایان نامه)

۱۳۸۷ / ۱۲ / ۱۵

تقدیم به

پدر و مادر عزیزم که صبر، تلاش،
فداکاری و تشویقهای ایشان همواره در تمام
مراحل زندگی امید بخش و روشن کننده راه
من بوده است.

تشکر و قدردانی

منت خدای را عزوجل، که طاعتش موجب قربت است و به شکراندرش مزید نعمت .
خدمت استاد راهنمای بزرگووارم جناب آقای دکتر باقر صدری نیا که علاوه بر راهنماییهای علمی،
همواره در تمام مراحل تحصیل در دانشگاه برای من راهنمای انسانیت بوده اند کمال تشکر و قدردانی
را داشته و ادای احترام می کنم.
خدمت استاد مشاور ارجمند جناب آقای دکتر میرنعمت الله موسوی که با راهنمایی های ارزشمند
خود باعث هر چه پر بارتر شدن این پژوهش شدند ، سپاسگزاری می کنم.
خدمت استاد داور فاضل جناب آقای دکتر علیزاده خیاط که داوری این پایان نامه را تقبل فرمودند
کمال تشکر و قدردانی را دارم .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	فصل اول: زندگی و آثار
۴	زندگی
۱۱	فهرست ترانه‌ها
۱۳	آثار مشیری
	فصل دوم: رمانتیسم در اروپا
۱۵	تعاریف و کاربرد رمانتیسم و رمانتیک
۱۸	تعاریف در دوره رمانتیک
۲۰	ادبیات کلاسیک
۲۱	ویژگی‌های ادبیات کلاسیک
۲۳	پیدایش رمانتیسم و خاستگاه اولیه آن
۲۴	انحطاط نظام نئوکلاسیک
۲۶	اصول مکتب رمانتیسم
۲۹	مانیفست مکتب رمانتیک
۳۰	انواع آثار رمانتیک
	فصل سوم: رمانتیسم در ایران
۳۳	تعاریف و کاربرد رمانتیسم در ایران
۳۴	چگونگی پیدایش شعر رمانتیک فارسی معاصر
۳۷	ویژگیها و مختصات شعر رمانتیک
۳۸	سیر تکاملی شعر رمانتیک
	فصل چهارم: مشیری و رمانتیسم
۴۳	مشیری و رمانتیسم
	فصل پنجم: تأثیر پذیری مشیری از شاعران معاصر
۴۹	تأثیر پذیری مشیری از معاصران
۵۲	نگاه مشیری به طبیعت متأثر از نیما

فصل ششم: فرم و ساختار

۶۰	قالب
۶۵	وزن
۶۷	زبان
۷۰	قافیه
۷۱	صور خیال
۷۸	ترکیب‌های تصویری

فصل هفتم: محتوا (درونمایه)

۸۱	درونمایه شعر مشیری
۸۱	نقد تمدن جدید
۸۴	بازگشت به طبیعت
۸۶	روستا ستایی
۸۷	بازگشت به کودکی
۸۸	درونمایه مرگ و مرگ طلبی
۹۰	درونمایه درد و دروغ و آه و ...

فصل هشتم: اشعار اجتماعی

۹۳	مشیری شاعر صرفاً فرد گرا نیست، بلکه اشعار اجتماعی هم دارد
۱۰۸	نتیجه
۱۰۹	فهرست منابع و مآخذ

چکیده:

پایان نامه حاضر عهده‌دار بررسی ساختار و درونمایه شعر فریدون مشیری و تأثیر پذیری وی از موازین و ویژگی‌های مکتب رمانتیسم است، از آنجا که شعر او باید در متن جریان شعر رمانتیک فارسی و با توجه به اصول مکتب رمانتیسم مورد مطالعه قرار گیرد، ابتدا درباره پیدایش مکتب رمانتیسم در اروپا و تفاوت آن با کلاسیسم و نیز در مورد اصول، ویژگی‌ها و نامدارترین نظریه پردازان و پیروان آن بحث کرده‌ایم، پس از آن ضمن فصل مستقلی با رعایت جانب اختصار چگونگی حضور رمانتیسم را در شعر فارسی بررسی کرده، درباره انواع شعر رمانتیک فارسی و سرشناس‌ترین شاعرانی که بدین شیوه شعر سروده‌اند سخن گفته‌ایم. در این فصل به اختصار از آثار شاعرانی نظیر دهخدا، میرزاده عشقی، نیما یوشیج و فریدون توللی سخن به میان آمده و تأثیر دو شاعر اخیر در شعر مشیری نشان داده شده است.

در فصول بعد، ساختار و درونمایه شعر مشیری با توجه به اصول و موازین مکتب رمانتیسم مورد بحث قرار گرفته است و در خلال آنها درباره وزن، قالب‌های شعری واژگان و ترکیبات، زبان شعر مشیری و نیز محتوای رمانتیک، انسانی و اجتماعی شعر او به تفصیل سخن گفته شده است.

پایان نامه در صدد اثبات این نکته است که شعر مشیری هم از حیث ساختار و هم از حیث محتوا متأثر از اصول رمانتیسم و جریان شعر رمانتیک فارسی است و شاعر در خلال سروده‌های خود تنها به بیان عواطف، احساسات و مسائل شخصی بسنده نکرده و در بسیاری از موارد موضوعات اجتماعی و انسانی را درونمایه اشعار خود قرار داده است. این پایان نامه در یک مقدمه و هشت فصل تنظیم یافته است.

مقدمه

تحولات جهان جدید در حیات فرهنگی همه جوامع بشری انعکاس یافته است و هیچ قوم، ملت و فرهنگی از تأثیر این تحولات برکنار نمانده است. ادبیات فارسی نیز با پیشینه تاریخی خود در یکصد سال اخیر دستخوش تحول و دگرگونی گردیده به ویژه شعر کلاسیک به شعر نو یا نیمایی تغییر شکل یافته است.

اینجانب به حکم دلبستگی دیرینه ام به شعر معاصر، به ویژه گونه رمانتیک آن، با پیشنهاد استادفاضل و بزرگوارم جناب آقای دکتر صدری نیا موضوع بررسی رمانتیسم در ساختار و محتوای شعر مشیری را برگزیدم و با توشه اندک آهنگ این راه دراز کردم.

گرچه در این راه قلم فرسایان متأثر از رمانتیسم اروپا به طور پراکنده قلم فرسایی کرده اند اما تا کنون جای چنین پژوهشی در فهرست پایان نامه های دانشگاهی خالی بود از این رو این بنده با بهره مندی از پژوهشهای ارزشمند استاد ارجمندم آقای دکتر مسعود جعفری و با تکیه بر راهنمایی های استاد بزرگوار آقای دکتر صدری نیا و اشارات عالمانه استاد گرانقدر جناب آقای دکتر موسوی به کار تدوین این پایان نامه توفیق یافتم.

روش کار در این مجموعه چنان است که در فصل اول شرح حال مختصری از زندگی مشیری شاعر رمانتیک معاصر ارایه شده است.

از آنجا که رمانتیسم در ایران تحت تأثیر رمانتیسم اروپا به وجود آمده است و مشیری نیز از این تأثیر پذیری مبرا نیست برای روشن شدن اذهان در فصل دوم «رمانتیسم در اروپا» مورد بررسی قرار گرفته است بدین گونه که ابتدا تعاریف رمانتیسم و سپس چگونگی پیدایش آثار رمانتیک و سرانجام افول مکتب رمانتیسم بررسی شده است.

در فصل سوم «رمانتیسم در ایران» با گذر از مراحل شکل گیری جریان های فکری نو در دوره مشروطه، به بررسی شکل گیری رمانتیسم در ایران پرداخته شده و سپس سیر تکامل رمانتیسم در ایران و چگونگی تقسیم آن به دو شاخه مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل چهارم تحت عنوان «مشیری و رمانتیسم» از ادله و براهین متفاوتی برای اثبات این فرضیه «مشیری شاعر رمانتیک» بهره گرفته شده است.

در فصل پنجم تأثیر پذیری مشیری از شاعران معاصرش همچون نیما پدر شعر نو و توللی سردمدار شعر رمانتیک فارسی مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل ششم قالب، زبان، تخیل، صورخیال، شعر مشیری مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل هفتم محتوای شعر وی، متأثر از اصول و موازین رمانتیسم تلقی شده و ضمن آن درباره موضوعاتی مانند گریز از حال، بازگشت به دوران کودکی، بازگشت به طبیعت و درونمایه اندوهگین شعر، یأس و مرگ اندیشی سخن گفته‌ایم.

در فصل هشتم ابعاد اجتماعی شعر مشیری مورد بحث قرار می‌گیرد که در آن اشعار اجتماعی وی از چند جهت: انسان‌گرایانه، وطنی، میهنی، اعتراضی بررسی می‌شود.

در پایان با کمال صداقت باید اذعان کنم در کار تدوین این مجموعه حقیر گویی خود را قطره‌ای در کنار دریای بی‌بی‌کرانه می‌دیدم که این چند قطره را نیز به مدد دستگیری و بذل توجه استادان گرانقدرم جناب آقای دکتر صدری نیا به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر موسوی به عنوان استاد مشاور و مساعدت همسر بزرگوارم جناب آقای سید جواد حسینی به دست آوردم. از درگاه خداوند یزدان توفیق روزافزون آن بزرگواران را خواهانم.

پاییز ۸۵

حمیده ساکت تبار

فصل اول:
زندگی و آثار مشیری

زندگی و آثار مشیری

زندگی:

میرزا ابراهیم خان مشیری تلگرافچی، از نوادگان نادر شاه افشار، بعد از ازدواج اولش با درخشنده در سال ۱۳۰۲ با خورشید خانم ملقب به اعظم السلطنه - دختر میرزا جوادخان صدیق موتمن الممالک، از رجال سیاسی دوره ناصری که طبع شاعری نیز داشت - ازدواج کرد.

خورشید خانم سه فرزند پسر به نام‌های منصور، فریدون، منوچهر برای ابراهیم خان آورد. و فریدون سه سال بعد از وصلت میرزا ابراهیم خان و خورشید خانم در غروب روز سی‌ام شهریور ۱۳۰۵ از پدر و مادری اهل کتاب و ادب، چشمان سبز خود را به جهان گشود. چشمان سبز، برای شاعر، احساساتی لطیف و نگاه سبز به جهان پیرامون و شعر و شاعری به همراه داشت.

او نیز همچون دیگر متولدین شهریور، از احساسات قوی برخوردار بود که از همان اوان کودکی، آن را به صورت زمزمه‌های شعری بروز داد.

تحصیلات ابتدایی را از شش سالگی در دبستان ادب تهران، پشت مسجد سپهسالار آغاز کرد. در آن مقطع با شادروان سیاوش کسرای همکلاسی بود. در سال ۱۳۱۳ پدرش که عضو وزارت پست و تلگراف بود به مشهد منتقل شد. وی بقیه دوره ابتدایی را تا اول دبیرستان در مشهد گذراند.

او در این ایام سخت به شعر علاقه نشان می‌داد. اواخر دوره دبیرستان، شاعر با خاطره‌ای نه چندان خوش، همراه خانواده به تهران بازگشت. پس از بازگشت به تهران، در دبیرستان ادیب مشغول تحصیل شد و سال‌های دوم و سوم را آنجا سپری کرد. پس از مدتی به دلیل مشکلات خانوادگی، در مدرسه فنی وزارت پست و تلگراف و تلفن به تحصیلاتش ادامه داد.

در همین سال‌ها که مقارن با شانزده سالگی شاعر بود که سرودن شعر را مانند هر جوان دیگری با مضمون عشق آغاز کرد و اولین شعر مشیری که در دوره دبیرستان سروده شد، شعر «فردای ما» بود. بعد از سرودن این شعر، به سبب آشنایی با روزنامه «ایران ما» که اشعاری از شهریار و توللی... در آن چاپ شده بود، شعر خود را به دفتر این روزنامه فرستاد و هفته بعد، شعرش چاپ شد و در ستون خوانندگان خطاب به مشیری نوشته شد:

«آقای فریدون مشیری، شعری را که فرستاده بودید در شماره پیش چاپ شد، در جمع هیأت تحریریه ایران ما، با حسن قبول بسیار مواجه شد. خوش وقت می‌شویم اگر باز هم از شما شعر چاپ کنیم»^۱

۱- صاحب اختیاری، بهروز، باقر زاده، فریدون مشیری شاعر کوچکه خاطره‌ها، هیرمند، ۱۳۸۱، ص ۹۳.

درباره اشعار نوجوانی‌اش نوشته‌های بسیار خواندنی دارد:

«در پنج شش سالگی، پیش از رفتن به مدرسه، همه تابلوهای مغازه‌ها را و نام کتاب‌ها را درست می‌خواندم. در ده یازده سالگی، در دبستان بعضی موضوع‌های انشاء را به نظم در می‌آوردم. در شانزده سالگی در دبیرستان مجموعه‌ای از غزلیات پرسوز و گداز ترتیب داده بودم، که همه با خط همان دوره‌ام موجود است.

نوزده ساله بودم که مادرم، موجودی که همه هستی‌ام به او وابسته بود در گذشت، من در مرگ او اشکهایم را در کلماتی ریختم و شعری گفتم که برادر بزرگم منصور، پس از خواندن آن به من نامه‌ای نوشت که تو نابغه شهر هستی و این یک تعارف برادرانه نیست...»^۱

ناگفته نماند اولین سروده‌های شاعر، سروده‌هایی طنزآمیز بوده است که برای سرگرمی مخاطبان سروده شده بود استفاده کرده است از جمله آنها قصیده‌ای است که در بحر هزج مثنی‌م (مفاعیلن. مفاعیلن. مفاعیلن) سروده و «بهاریه» نام دارد. در این قصیده هم به وصف جوانی نظر داشته و هم نگاه انتقادی به منصوب شدن ملک‌الشعرا بهار، به سمت وزارت فرهنگ.

این قصیده در ۳۸ بیت با ردیف «شد» و قافیه «الف» و «نون» سروده شده که به چند بیت از آن در این قسمت اشاره می‌کنیم:

چو خورشید جهان افروز، اندر کوه پنهان شد
 ز سوی دیگر گردون، مه تابان نمایان شد
 فروپاشید گرد نقره بر صحرا و بر هامون
 جهان از پرتو انوار رخشان نور باران شد
 نسیم روح‌افزایی وزید از جانب بستان
 دل و جان مست از بوی نسیم عنبر افشان شد^۲

همچنان که در این اشعار ملاحظه می‌شود، شاعر ضمن تسلط بر اوزان عروضی، هنوز راه خود را پیدا نکرده است. اتفاق مهم دیگری که در این ایام رخ داده و شاعر را کاملاً دگرگون ساخت، مرگ مادر بود. در ۲۸ خرداد ۱۳۲۴. مرگ مادر مقارن بود با استخدام رسمی شاعر در وزارت پست و تلگراف، وی بایستی هم کار می‌کرد و هم درس می‌خواند. به همین سبب در سال ۱۳۲۴ در وزارت پست و تلگراف استخدام شد و بدین ترتیب حرفه نیاکان خویش را در پیش گرفت. شاعر در این باره چنین نوشته: «پدر بزرگم میرزا محمدخان چون در همدان و کردستان و کرمانشاه، برای ایجاد خطوط مخابراتی ایران،

۱- شاکری یکتا، محمد علی، آسمانی تر از خورشید، ثالث، ۱۳۸۴، ج ۱ ص ۷۵.

۲- همان، ص ۵۷.

در زمان قاجار خدمت زیادی کرده بود، ناصرالدین شاه به ایشان لقب «مشیر» داده بود که ما هم بعدها شدیم «مشیری» یعنی طرف مشورت.^۱

وی در سوگ مادرش اشعار بسیاری سروده که می‌توان به قطعات زیر اشاره کرد:
 شعر: آن انتظار شیرین / به مادرم: دیدی آخر رفت از کف آن امید زندگانی / مادر: تاج از فرق فلک برداشت / یاد: طوفان سهمناک به یغما گشوده دست / گل و نرگس: مادر کم شادروان چون نسیم^۲ و همچنین قطعه «سفر» از سروده‌های چاپ نشده که مشیری در زیر آن، این یادداشت را نوشته است:
 «این شعری است که در سن ۱۹ سالگی گفته‌ام و الان که در ۲۹ سالگی آن را می‌خوانم هیچ نمی‌پسندم. زیرا تنها دلسوزی به حال خود کرده‌ام»

رفتی ای مادر بیچاره من
 با دلی تنگ به دنیای دگر
 مه‌رت از این دل صد پاره من
 نتواند که رود جای دگر

رفتی ای مادر و من جا ماندم
 و ندر این غمکده تنها ماندم...

مادرا ترک «فریدون» کردی
 مرگ تو، مرگ تو، باور نکنم
 دل «منصور» زغم خون کردی
 خاک و خون را زچه بر سر نکنم.

پر بیچاره «منوچهر» شکست
 تیر غم بر جگر هر سه نشست.^۳

بعد از طبع آزمایی این گونه اشعار و اتمام دوره دبیرستان وارد دانشگاه تهران شد. بعد از دو سال تحصیل در رشته ی ادبیات، تغییر رشته داد و وارد رشته روزنامه‌نگاری شد زیرا به گفته خودش روزنامه‌نگاری را بیشتر دوست داشت. ولی بعد باغلیان و جوشش شعر، شاعری را پیشه خود ساخت.
 وی در سال ۱۳۳۴ ضمن اشتغال به پیشه پست و تلگراف، به سمت متصدی دایره انتشارات منصوب شد و تا سال ۱۳۳۸ در این سمت باقی ماند.
 سال ۱۳۳۴، برای شاعر سالی خاطره‌انگیز و به یادماندنی است. چون دو اتفاق مهم در زندگی وی رخ داد یکی تولد فرزند اولش بهار، دیگری چاپ نخستین مجموعه شعرش «تشنه توفان».
 با انتشار تشنه توفان، مرحوم شهریار نامه‌ای برای او نوشت و از او به عنوان شاعر «بلند پایه» یاد کرد و این برای شاعری جوان چون او، مایه بس افتخار بود.

۱- صاحب اختیاری، بهروز، باقر زاده، مشیری شاعر کوچکه خاطره ها، هیرمند، ص ۹۲.

۲- شاکری یکتا، محمد علی، آسمانی تر از خورشید، ثالث، ج ۱ ص ۳۸.

۳- همان، صص ۱۴۳ - ۱۴۴.

بهار، دختری است که میوه درخت زندگی فریدون مشیری و اقبال الزمان زنجانی به شمار می‌رود. اقبال الزمان زنجانی همان دانشجوی نقاشی است که همچون فریدون تحصیل در دانشگاه را نیمه کاره رها کرد و به حرفه جدید خیاطی روی آورد. اقبال الزمان لباس فرزندان و حتی فریدون را نیز خود سوزن می‌زده است.

فریدون و اقبال الزمان اواسط اردیبهشت ماه ۱۳۳۳ در یک مهمانی با یکدیگر آشنا شدند. مشیری در این باره نوشته:

[در آن زمان من تصمیم گرفته بودم ازدواج کنم. شاید آن مجلس را نیز زن خوش قلبی که ما او را آنا صدا می‌کردیم و امروز چشم از این جهان بسته است به خاطر ما ترتیب داده بود. در این جلسه و یکی دو جلسه بعد من و اقبال حرف‌هایمان را صاف و پوست کنده برای هم زدیم. البته اقبال حرفی نداشت. و این من بودم که می‌بایستی وضع معیشتی و زندگانی آینده‌مان را برای او تشریح کنم. وقتی که من مشکلات زندگی و گذشت‌هایی را که زن و شوهر باید در بیشتر مسائل داشته باشند با او در میان گذاشتم او عقیده داشت، اگر دو نفر بخواهند باهم زندگی کنند، همه مشکلات حل می‌شود. از این عقیده او خیلی خوشم آمد. خودم هم همین عقیده را داشتم. اوایل تیرماه به خواستگاری او اقدام کردم. در ۲۱ تیر ماه ۱۳۳۳ مراسم عقد ما به عمل آمد ده روز بعد اقبال به خانه ما آمد. پانزده ماه بعد هم، بهار دختر کوچولوی قشنگ من چشم به دنیا باز کرد.]^۱

وی همزمان با ازدواج با اقبال الزمان همکاری خود را با مجله روشنفکر به مدت ۱۸ سال آغاز کرد همچنین با مجله زن روز، تماشا... مشیری طی این ایام که برای مطبوعات خبرنگاری می‌کرد با بزرگان زیادی چون دهخدا، دکتر معین... و از جمله نیما «پدر شعر نو» مصاحبه کرد.

وی با نیما ارتباط بسیار نزدیکی داشت. زیرا خانه نیما و محل کار وی بسیار به هم نزدیک بود و نیما هر وقت دلتنگ می‌شد قدم زنان از خانه بیرون می‌رفت و به مشیری سر می‌زد.

وی غیر از مصاحبه با نیما، مطالب مختلفی در مورد شعر و کارش نیز نوشته، که در روزنامه‌های آن زمان چاپ شده است. از جمله ضمن نقل خاطره ای از نیما در مورد شعر نو، مشیری چنین اظهار داشته است:

یادم هست نیما حکایت کوتاه زیبایی تعریف می‌کرد که شاید بازگویی آن برای آنهایی که تصور می‌کنند «شعر نو» می‌گویند، اما در واقع چیزهایی می‌نویسند بدون وزن و قافیه و حتی مفهوم، آموزنده باشد می‌گفت: جادوگری در چین بوده که باغ بزرگی داشته، هرگاه می‌خواست باران بیارد، وردی می‌خوانده و باران می‌بارید و وقتی گل‌ها و درختان باغ سیراب می‌شدند، ورد دیگر می‌خوانده و باران بند می‌آمد. یک بار می‌خواست برود سفر، فکر می‌کند دو سه روز بیش‌تر طول نمی‌کشد و زود بر

۱ - شاکری یکتا، محمد علی، آسمانی تر از خورشید، ثالث، ج ۱، صص ۸۱ - ۸۲.

می‌گردد، در نتیجه به شاگردش سفارش نمی‌کند چه کند و چه نکند. شاگرد بارها شنید و آموخته بود که استاد ورد باران می‌خواند باران بنا می‌کند به باریدن. اما شاگرد ورد بند آمدن باران را دیگر بلد نبوده، باران می‌بارد و می‌بارد. گل و سبزه و درخت و همه چیز باغ را می‌شوید و می‌برد و همه جا را ویران می‌کند.

نیما می‌گفت: «من آن جادوگرم که این جماعت (مجله را نشان می‌داد) در آن شعری بود در سه سطر:

من

و

تو

و فقط همین ورد باریدن باران را از من یاد گرفته‌اند، اما وردبند آمدن آن را نیاموخته‌اند. این است که

این چیزها را سرهم می‌کنند.^۱

مشیری متأثر از نیما و شعرهایش، شعرهایی سرود که بعدها به صورت ترانه خوانده شدند. از جمله:

پرکن پیاله را:

پرکن پیاله را

که این آب آتشین

دیری است ره به حال خوابم نمی‌برد

این جامها که در پی هم می‌شود تهی

دریای آتش است که ریزم به نام خویش

گرداب می‌ریاید و آبم نمی‌برد

من با سمند سرکش و جادویی شراب

تا بیکران عالم پندار رفته ام

تا دشت پر ستاره اندیشه های گرم

تا مرز شناخته مرگ و زندگی

تا کوچه باغ خاطره های گریزیا

تا شهر یاد ها ...

دیگر شراب هم جز تا کنار بستر خوابم نمی‌برد

هان، ای عقاب عشق!

از لوح قله های مه آلود دور دست

پرواز کن به دشت غم انگیز عمر من

۱- صاحب اختیاری، بهروز، باقر زاده، مشیری شاعر کوچه خاطره ها، هیرمند، صص ۹۵-۹۶.

آنجا ببر مرا که شرابم نمی برد .
 آن بی ستاره ام که عقابم نمی برد
 در راه زندگی
 با این همه تلاش و تمنا و تشنگی
 با این که ناله می کشم از دل که به
 « آب .. آب .. ! »
 دیگر فریب هم به سراپم نمی برد
 پرکن پیاله را !
 جادوی بی اثر مجموعه بهار را باور کن

آشنایی با شعر نیما، زمینه‌های ارتباطی با بزرگان بسیاری را برای مشیری از طریق شعر و موسیقی فراهم کرد. از جمله: فرامرز پایور، پرویز مشکاتیان، محمدرضا شجریان و ...
 همچنین مصاحبه‌های فراوانی با بزرگان موسیقی داشته است، چنان که خود می گوید:
 «با خانم قمرالملوک وزیری و استاد ابوالحسن صبا و استاد احمد عبادی... مصاحبه‌ای درباره هنر داشتم که در مجله اطلاعات هفتگی سال ۱۳۳۶ چاپ شد که موجود است.
 با عبدا... خان دوامی و اسماعیل مهرتاش مصاحبه‌ای رادیویی داشتم در سال ۱۳۵۵ در بخش گلچین هفته از رادیو پخش شد و نوارهای آن موجود است...»^۱
 زندگی اقبال با فریدون در سال ۱۳۳۸، ۱۳ اسفند دومین میوه را نیز به بار نشانند: بابک مشیری. در این سال شاعر در حال سرودن مجموعه شعر «ابر» بود.
 در همین سال نشان پیام از وزارت پست و تلگراف و تلفن دریافت کرد. در سال ۱۳۴۰ ش. به همکاری دائمی با استاد بزرگ دکتر پرویز ناتل خانلری در مجله سخن فرا خوانده شد و این همکاری تا پایان انتشار مجله ادامه داشت.
 وی بعد از بازنشستگی به شعر و شاعری بیشتر مشغول شد ولی در این دوره که بایستی از آرامش خاطر بیشتری برخوردار می‌بود، ضایعه دیگری در زندگی‌اش رخ داد و آن مرگ پدر یعنی میرزا ابراهیم خان مشیری در سال ۱۳۶۰ بود. چهار سال بعد از مرگ پدر، کتاب «گزینه اشعار» مشیری منتشر شد. همچنین کتاب‌های «آه باران، از دیار آشتی، با پنج سخن سرا، لحظه‌ها واحساس، زیبای جاودانه و یک آسمان پرنده»، در دوره دوم شاعری وی به چاپ رسید.

۱ - شاکری یکتا، محمد علی، آسمانی تر از خورشید، ثالث، ج ۱، صص ۶۲۸-۶۲۹.

شعرهای مشیری را از لحاظ تاریخ انتشار به ۲ دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱- ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۷ (تشنه توفان. گناه دریا. ابر. یک سونگریستن، بهار را باور کن، پرواز با خورشید.

گزیده اشعار)

۲- ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۹ (از خاموشی، گزینه اشعار، مروارید مهر، ازدیوار آشتی، با پنج سخن سرا، لحظه‌ها

و احساس، یک آسمان پرنده، زیبای جاودانه، شکفتن‌ها و رستن‌ها، تا صبح تابناک اهورایی).

«در سال ۱۳۴۲ ش. به عضویت شواری نویسندگان رادیو ایران درآمد. در سال ۱۳۵۰ خورشیدی با

شواری موسیقی رادیو ایران، واحد تولید همکاری را آغاز کرد. در رضاییه، شیراز، مدرسه عالی دماوند در

گستره ادبیات، سخنرانی کرد و مدیر کل روابط عمومی شرکت مخابرات شد. در سال ۱۳۵۲ ش. به اروپا

مسافرت کرد و از شهرهای هامبورگ، پاریس و... دیدن نمود. در سال ۱۳۵۳ در سمینار شاهنامه فردوسی

شرکت کرد. در سال ۱۳۵۴ به لندن رفت و از نمایشگاه هنر اسلامی دیدن نمود و در همین سال مشاور

مطبوعاتی مدیر عامل شرکت مخابرات ایران شد. در سال ۱۳۵۶ ش. به هندوستان مسافرت کرد و در

کشمیر برای استادان زبان فارسی سراسر هند سخنرانی نمود. در فروردین ماه سال ۱۳۵۷ ش. پس از ۳۳

سال خدمت اداری حکم بازنشستگی‌اش را دریافت کرد و بلافاصله به استخدام شرکت عمران و نوسازی

تهران درآمد و این همکاری تا بهمن ماه همین سال ادامه داشت^۱. این برداشت از کجا شروع می‌شود:

«در سال ۱۳۷۶ ش. در شب شعر آلمان و آمریکا شرکت کرد و به سخنرانی و شعرخوانی پرداخت

در سال ۱۳۷۸ ش. از او تجلیل باشکوهی به عمل آمد و کتاب «جشن‌نامه به نرمی باران» در گرامی داشت

مقام او منتشر شد. در خرداد ماه سال ۱۳۷۹ ش. در دانشگاه شیراز سخنرانی کرد و در شهریور ماه همان

سال در مراسم روز پزشک در همدان حضور یافت و به شعرخوانی و سخنرانی پرداخت.^۲»

سرانجام مشیری پس از نیم قرن تلاش و کوشش و قلم‌زنی در عرصه ادبیات معاصر، در سن ۷۴

سالگی به علت بیماری سرطان در بیمارستان «تهران کلینیک» با مداد سه‌شنبه ۷۹/۸/۳ چشمان همیشه

سبزش را با آرامش همیشگی‌اش از جهان فرو بست و پیکر او در روز جمعه ۱۳۷۹/۸/۶ در گورستان

بهشت زهرا تشییع شد و در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شد اما مشیری همچنان با شعرهایش زنده

است.

۱- نجف زاده بار فروش، محمد باقر، برگزیده ادب فارسی، آوای نور، تهران ۱۳۸۵، صص ۱۹۲-۱۹۳.

۲- همان ص ۱۹۳

فهرست ترانه هایی که مشیری سروده و آهنگ هایی که بر روی اشعار او ساخته است:

نام ترانه یا تصنیف یا نوار	نام خواننده یا گوینده	نام آهنگساز
۱- پر کن پیاله را	محمد رضا شجریان	فریدون شهبازیان
۲- بهارم. دخترم	مرضیه	فرهاد فخرا لدینی
۳- آهنگ اشتیاق	سیما بینا	فرهاد فخرا لدینی
۴- سرود بهار- بوی باران	فریدون فرهی	فرهاد فخرا لدینی
۵- آخرین جرعه این جام تهی	نادر گلچین	نادر گلچین
۶- در بستر چمن	-	جلیل عندلیبی
۷- برخیز	نادر گلچین	یوسف زما نی
۸- موج	مرضیه	فرهاد فخرا لدینی
۹- نیایش	سروش ایزدی	جلال اخباری
۱۰- ناز نگاه	محمد رضا افتخاری	ضرا بیان
۱۱- لحظه لحظه	محمد رضا افتخاری	ضرا بیان
۱۲- شور عشق	محمد رضا افتخاری	فریدون شهبازیان
۱۳- نامه	بیژن بیژنی	دکتر محمد سریر
۱۴- کهکشان عشق	محمد نوری	دکتر محمد سریر
۱۵- آواز با عشق	محمد نوری	دکتر محمد سریر
۱۶- دلاویزترین	محمد نوری	دکتر محمد سریر
۱۷- لبخنده گل	صدیق تعریف	امیر جا هد
۱۸- یاران	صدیق تعریف	امیر جا هد
۱۹- یادیار مهربان	کاوه دیلمی	فرهاد فخرا لدینی
۲۰- بوی باران	داریوش	فرهاد فخرا لدینی
۲۱- بوی باران- سرود بهار	بیژن خاوری	فریدون شب خیز
۲۲- دستی برا فشا نیم	صدیق	صدیق تعریف
۲۳- پیام آور مهر	صدای علی اصغر طا هری	موسیقی بتهوون- موتسارت
۲۴- امید بهار	رشیدی	رشیدی
۲۵- گل برا فشان	کاوه دیلمی	روح الله خالقی
۲۶- می ناب	عبدا لوهاب شهیدی	فرهاد فخرا لدینی
۲۷- گذر عمر	مرضیه	فرهاد فخرا لدینی

حسین علیزاده	محمد رضا شجریان	۲۸- آخرین جرعه جام تهی
حسین و تقی	بیژن بیژنی	۲۹- ۵ ترا نه برای فیلم دلشدگان
سهراب اندیشه		۳۰- کوچه
عباس احمدی لاله زار	سهراب اندیشه و نوشین دخت	۳۱- کوچه
فرهاد فخرالدینی	عباس احمدی لاله زار	۳۲- کوچه
یوسف زمانی	فریدون فرهی و گروه کر	۳۳- خوش به حال غنچه های نیمه باز
محمد سریر	شجریان	۳۴- خوش به حال غنچه های نیمه باز
محمد سریر	محمد نوری	۳۵- جاودا نه با عشق
جلال ذوا لفنون	محمد نوری	۳۶- تاکهکشان عشق
	صدیق تعریف	۳۷- از نگاریاران

(به نرمی باران، با اندک تصرف)